



# پیشینه و مبانی حریم خصوصی زوجین در فقه امامیه

عیسی خان حیدری<sup>۱</sup>



## چکیده

امروزه از مسائل مبتلابه در حوزه خانواده، مسأله «حریم خصوصی زوجین» است که پرونده‌های بسیاری در دادگاه‌های خانواده را به خود اختصاص داده است. تحقیق حاضر در صدد پاسخگویی به این سؤال بوده است که «مبانی حریم خصوصی زوجین در فقه امامیه چیست؟»؛ این مبانی ریشه شکل‌گیری گفتمان حریم خصوصی بین زن و شوهر است. گرچه در فقه امامیه خصوصاً روایات اهل‌بیت (ع) به برخی از مسائل جدید حوزه خصوصی اشاره‌ای نشده است؛ اما کلیات مبانی حریم خصوصی در احادیث و سیره اهل‌بیت (ع) موجوداند که می‌توان با تمسک به آن کلیات، آن مبانی را جهت کاربست عملی حریم خصوصی زوجین استفاده کرد. بنابراین، این مقاله تلاش کرده است که با روش تحلیلی توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای مبانی حریم خصوصی زوجین از منظر فقه امامیه را صورت‌بندی کند. یافته‌ی تحقیق عبارت است از این که مبانی حریم خصوصی زوجین در فقه امامیه بر پایه‌های اصل کرامت، قاعده لاضرر، اصل اخلاقی، اصل آزادی، اصل احترام و حفظ عرض و آبرو، اصل امنیت و ثبات بنا نهاده شده است.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، مبانی حریم خصوصی زوجین، حقوق خصوصی، فقه امامیه.

## مقدمه

اولین نکته‌ای که در بحث حریم خصوصی به ذهن می‌رسد، مسأله «ملکیت» است. براین اساس، کسی حق ندارد به «ملک» دیگری بدون اجازه وارد شود و در آن تصرف نماید. این موضوع را امروزه به سایر جوانب زندگی انسان نیز سرایت داده‌اند. همان‌گونه که «ملک» در اختیار مالک است، سایر مسائل نیز مانند «ملکیت» تحت تصرف شخص است و دیگران حق ندارند بدون اجازه او تصرفی در آن داشته باشند؛ مانند رؤیت ایمیل‌ها، پیام‌ها، دخالت در امور جزئی شخصی مانند میزان حساب بانکی شخص و غیره. این مسأله در ارتباط بین زوجین بیشتر مورد بررسی قرار می‌گیرد زیرا بر اساس مسائل عاطفی شاید این تصور برای طرفین ایجاد شود که حق دارند از تمامی امور همسر خویش آگاه باشند و یا به دلیل سلطه طبیعی مرد (به دلیل قدرت جسمانی یا اقتصادی و...) زن همیشه مورد بازخواست در مواردی قرار گیرد که هیچ ارتباطی با حقوق شوهر ندارد و کاملاً در حریم خصوصی زن است.

نوشته حاضر درصدد آن است که «مبانی حریم خصوصی زوجین» را در «فقه امامیه» مورد کاوش و بررسی قرار دهد. بدون شک هرکدام از زوجین در کنار زندگی مشترک، یک فضای خصوصی هم دارد که می‌تواند آن را با همسر خود به اشتراک نگذارد. البته به این معنا نیست که برای آن‌ها اهمیت نداشته باشند و از احساس و فکر همدیگر بی‌خبر باشند، بلکه به آن معناست که به احساسات و افکار هم احترام بگذارند و همدیگر را از حقوق طبیعی‌شان محروم نکنند. از سوی دیگر باتوجه به اینکه مرزهای امور مشترک بین زن و شوهر چندان مشخص نیست لذا ممکن است با نظر به استقلال دیدگاه آن دو، خیلی از کشمکش‌ها و نزاع‌ها بر سر مرز حریم خصوصی در زندگی مشترک، موجب اختلافات و نزاع‌های خانوادگی بین آن‌ها گردد.

در جوامع زن‌ستیز، حریم خصوصی از سوی مردسالاران برای زنان هیچ

جایگاهی ندارد و بر این باور هستند که در زندگی مشترک زن و شوهر هیچ نقطه پنهانی برای شوهر وجود نداشته باشد؛ بر عکس جوامعی که به تساوی زن و مرد می‌اندیشند، برای زن و شوهر اندازه‌ای از حریم خصوصی، منصفانه و متعادل در نظر گرفته می‌شود.

بنابراین به پرسش درباره حریم خصوصی زوجین، در هر جامعه، باید با توجه به فرهنگ اجتماعی‌شان جواب داد. معرفت و شناخت روحيات زن و شوهر نسبت به همدیگر و اطلاع از تفاوت‌های جنسیتی و محترم شمردن آن، یکی از عنصر اساسی در حفظ حریم خصوصی در بین زوجین است. دارا بودن چنین حریمی به انسان موجب پیشرفت در زندگی گردیده و توان مقابله با خیلی از مشکلات را می‌دهد.

شخصی که حریم خصوصی‌اش مورد احترام افراد قرار می‌گیرد، اعتماد به نفس کافی در زندگی‌اش به وجود می‌آید و در نتیجه حریم خصوصی دیگران نیز برای او محترم شمرده می‌شود و همین موجب ارتباطش با دیگران شده و به ویژه در زندگی مشترک زن و شوهر تأثیر مثبت دارد. لذا باتوجه به مطالب فوق همه افراد از جمله زوجین نسبت به همدیگر دارای حریم خصوصی هستند که باید رعایت شود.

### ۱. مفهوم حریم خصوصی

حریم خصوصی به‌عنوان بخشی از زندگی افراد، گرچه پیشینه‌ای به درازای تاریخ انسان دارد، اما این واژه مرکب، اصطلاحی جدید است که در فقه امامیه و حقوق، سابقه‌ی چندانی ندارد. در فرهنگ لغات عربی حریم را به معانی ذیل گرفته‌اند: حریم، چیزی است که مس آن حرام شده است و نباید نزدیک آن شد. (فراهیدی، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۲۲۲). حریم، آن چیزی است که هتک آن جایز نیست. (جوهری، ۱۴۱۰، ج ۵، ص ۱۸۹۵). بعضی دیگر می‌گویند: حریم در لغت به هر چیزی که مستلزم حمایت باشد گفته می‌شود به همین دلیل، به زنان

و مسکن مردان، حریم اطلاق می‌گردد. (البستانی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۱۹). بعضی دیگر حریم را به معنای شریک گرفته است. (فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۳۴). با تأمل در تعاریف واژه‌شناسان، حریم عبارت از چیزی است که هتک آن جایز نیست و نباید بدون اجازه مالک در آن تصرف کرد.

## ۲-۱. حریم در اصطلاح فقهای امامیه

حریم در اصطلاح فقها نیز به معنای منع است «أصل التحريم: المنع» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۳۴)؛ یعنی چیزی که نزدیک شدن به آن یا تصرف کردن از آن بدون اذن صاحبش منع شده است. بعضی فقهای دیگر نیز در بیان تعریف حریم گفته‌اند: «ان حریم کلشی انما هو مقدار ما يتوقف عليه الانتفاع به» (سبزواری، بی تا، ص ۴۴۸، تبریزی، ج ۲، ص ۱۸۸، سیستانی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۸۵، خراسانی و وحید ۱۴۲۸ ق، ج ۳، ص ۱۷۶، کابلی فیاض، بی تا ج ۲، ص ۳۲۹ و قمی طباطبایی، ۱۴۱۳ ق، ج ۹، ص ۱۴۰).

حریم هر چیز به اندازه‌ای است که نفع بردن از آن شیئی به آن مقدار ضرورت دارد. این کار برد حریم، ناظر به جنبه مالی و اقتصادی دارد؛ اما ناظر به جنبه اخلاقی هم است که همان احترام است؛ یعنی اینکه اشخاص دیگر در ورود به این مال و تصرف آن منع شده است؛ در واقع نوعی احترام به مالک مال است لذا در تنگنا قرار دادن انسان جایز نیست ولو اینکه از راه تصرف در حریم مال شخصی دیگر باشد. حریم در مورد انسان نیز به کار رفته است. چنانکه بعضی فقها گفته‌اند: «حریم الرجل: ما یحمیه و یقاتل عنہ» (بحرانی، ۱۴۲۳ ق، ج ۳، ص ۳۷۰).

حریم عبارت است از چیزی که انسان از آن دفاع و حمایت می‌کند و در مقابل آن می‌جنگد؛ که این معنی عرض، آبرو و اهل و عیال را شامل می‌شود. بنابراین، فقها کلمه حریم را در مورد مال و جان استفاده کرده‌اند که شامل آبرو، اهل و عیال انسان نیز می‌شود. لذا از کلام فقها با توجه به تعاریف فوق استفاده می‌شود که همه انسان‌ها دارای حریم خصوصی است و کسی حق ورود بدون

رضایت به این حریم را ندارد و بر فرد نیز حفظ آن مهم است چه بسا در صورتی ورود فرد، هتک حرمت شود و اگر کسی ورود نماید صاحب حریم نیز حق دفاع دارد.

## ۲. پیشینه حریم خصوصی زوجین در فقه امامیه

همان‌طوری که در آیین‌های دیگر نظیر زرتشت، یهود و مسیحیت به صراحت عنوان «حریم خصوصی» نیامده است. در دین مقدس اسلام نیز بر این عنوان تصریحی وجود ندارد؛ ولی در آموزه‌های دینی که در بردارنده عالی‌ترین مضامین احکام نسبت به رعایت حقوق و ارزش‌های انسانی است، بر ضرورت احترام به حریم خصوصی افراد، از جمله زوجین، نظیر ممنوعیت افشای اسرار، عدم تعرض به منزل و مأمن دیگران، منع تجسس در امور شخصی افراد و همچنین در صورتی اطلاع یافتن از اسرار کسی بر عدم افشای آن تأکید شده است.

به‌عنوان نمونه در آیات ۲۷ و ۲۸ سوره نور، بر ضرورت رعایت حرمت منزل تأکید شده است و افراد از ورود به منزل دیگری بدون اجازه منع شده است، قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ، فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُوْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خانه‌های غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید مگر اینکه اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام کنید، این برای شما بهتر است باشد که پند بگیرید و اگر کسی در آن نیافتید داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شود بازگردید، بازگردید که برای شما پاکیزه‌تر است و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.» (نور، ۲۷ و ۲۸).

کلمه انس به معنای آرامش و الفت گرفتن است و کلمه «استیناس» رفتاری است که به این نیت انجام شود، مانند ورود به منزل با ذکر و نام خدا و یا رفتارهای دیگری که افراد داخل منزل را برای ورود خود آماده می‌کند و در

واقع با این رفتار آرامش و آسایش را برای افراد ساکن در منزل بیشتر فراهم می‌کند و صاحب منزل می‌فهمد که کسی می‌خواهد وارد شود و خود را برای ورود او آماده می‌کند؛ چه بسا می‌شود که صاحب منزل در حالی قرار دارد که نمی‌خواهد کسی او را به آن حال ببیند و یا از وضعی که دارد با خبر شود. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۵۳).

آیه شریفه فوق به صراحت ورود به حریم خصوصی افراد را منع نموده است. همچنین در مورد حریم خصوصی زوجین، از فرزندان خواسته شده که برای ورود به اتاق پدر و مادر در ساعت‌های خاص اجازه بگیرند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید باید بردگان شما و همچنین کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده‌اند در سه وقت از شما اجازه بگیرند: قبل از نماز فجر و در نیمروز هنگامی که لباس‌های (معمولی) خود را بیرون می‌آورید و بعد از نماز عشاء، این سه وقت خصوصی برای شما است، اما بعد از این سه وقت گناهی بر شما و بر آن‌ها نیست (که بدون اذن وارد شوند) و برگرد یکدیگر طواف کنید (و با صفا و صمیمیت به یکدیگر خدمت نمائید) اینگونه خداوند آیات را برای شما تبیین می‌کند و خداوند عالم و حکیم است و هنگامی که اطفال شما به سن بلوغ رسند باید اجازه بگیرند، همان‌گونه که اشخاصی که پیش از آن‌ها بودند اجازه می‌گرفتند، اینچنین خداوند آیاتش را برای شما تبیین می‌کند و خدا عالم و حکیم است» (نور، ۵۸ و ۵۹).

ارزش و اعتبار والای انسان در نزد پروردیگار به حدی است که خدای متعال خطاب به ملائکه، انسان را به‌عنوان جانشین خود بر روی زمین معرفی می‌کند. «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰). اعطای مقام جانشینی از سوی خداوند و ارزش‌گذاری به کرامت انسانی، بیانگر مسئولیت سنگین است که بر عهده اشرف مخلوقات گذاشته شده است. قرآن کریم در جای دیگر به برتری انسان نسبت به موجودات دیگر می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا، ما بنی آدم



را گرامی داشتیم و آن‌ها را در خشکی و دریا (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی‌های پاکیزه به آن‌ها روزی دادیم و بر بسیاری از خلق خود برتری بخشیدیم.» (اسراء، ۷۰) خداوند متعال در این آیه ضمن یادآوری نعمت‌هایش بر انسان و موقعیت ممتاز او تأکید نموده و او را بر سایر مخلوقات برتری داده است. قرآن کریم که تمامی جنبه‌های انسان را مورد توجه قرار داده از یک سو، به اعتبار کرامت تکوینی انسان، او را به حدی تمجید نموده که از همه موجودات عالم برتر دانسته است و از سوی دیگر به کرامت اکتسابی او نیز عنایت و توجه خاص نموده است. کرامت تکوینی انسان را در آیات ذیل اشاره نموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ حَقِيقَةً مَا أَنْسَانَ رَا دَر بَهْتَرِينَ بِنِيَانِ آفَرِيدِيم» (تین، ۴). در شرح این آیه مفسرین آورده است: «تقویم به معنای در آوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است و گستردگی مفهوم آن اشاره به این است که خداوند انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر جسمی و هم از نظر روحی و عقلی، چرا که هر گونه استعدادی را در وجود او قرار داده و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته.» (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۷، ص ۱۴۴). این نشان از اعتبار و عظمتی است که خدای متعال به بنی آدم عطا کرده است.

در مورد کرامت اکتسابی نیز خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ به راستی که گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست» (حجرات، ۱۳)؛ بنابراین، خدای متعال برفضیلت ارزش‌های معنوی و اخلاقی تأکید فرموده چنانچه صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: «به این ترتیب قلم سرخ بر تمام امتیازات ظاهری و مادی کشیده و اصالت و واقعیت را به مساله تقوا و پرهیزکاری و خدا ترسی می‌دهد و می‌گوید برای تقرب به خدا و نزدیکی به ساحت مقدس او هیچ امتیازی جز تقوا مؤثر نیست» (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۹۷).

در روایات اسلامی نیز به موارد متعدد بر رعایت و حفظ حریم خصوصی اشاره شده که به عنوان نمونه به دو تا روایت اشاره می‌کنیم.

روایتی از امام صادق (ع) نقل شده است که انسان در صورتی که سر کسی اطلاع یافت، نباید آن را بر ملا کند. عبد الله بن سنان می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: «عَوْرَةُ الْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ حَرَامٌ قَالَ نَعَمْ قُلْتُ يَعْنِي سَبِيلِيهِ فَقَالَ لَيْسَ حَيْثُ تَذَهَبُ إِنَّمَا هُوَ إِذَاعَةُ سِرِّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۳۵۹). عورت مؤمن بر مؤمن حرام است؟ فرمود: بله. گفتم مقصود شما اسافل اعضای اوست؟ فرمودند: آنطور که شما می پنداری نیست؛ بلکه مراد فاش کردن اسرار اوست. در روایت دیگر از امام علی (ع) در وصف مؤمن نقل شده است که می فرماید: «لَا يَهْتِكُ سِتْرًا وَلَا يَكْشِفُ سِرًّا» (همان، ص ۲۲۸). نه پرده دری می کند و نه سری را فاش می کند.

از این احادیث و احادیث متعدد دیگر به خوبی استفاده می شود که مردم از تجاوز و ورود به حریم خصوصی دیگران نهی شده اند و قاعده ای کلی این است که نهی دلالت بر حرمت دارد و مرتکب براساس دین مقدس اسلام مستحق مجازات است.

بنابراین، دین مقدس اسلام ۱۴۰۰ سال پیش بر ضرورت و رعایت حریم خصوصی افراد از جمله زوجین تأکید نموده و مردم را از هرگونه تعرض و ورود به حریم خصوصی افراد منع کرده است. در منابع فقهی اسلام احکام متعددی در زمینه حفظ حرمت اشخاص و عدم ورود به حریم خصوصی تبیین شده است. هرچند مبحث مستقلی نسبت به حریم خصوصی افراد از جمله زوجین اختصاص نیافته است ولی با بیان مصادیقی نظیر ممنوعیت تجسس و تفتیش، ممنوعیت استراق و سماع و بصر، ممنوعیت ورود به منزل غیر بدون استیذان، ممنوعیت تعرض به اموال شخصی افراد به بیان مطالب پرداخته است.

### ۳. مبانی حریم خصوصی زوجین

مبانی: دلالت جمع مبنا به معنای بناها، بنیانها، شالوده اساس و روش است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۱۷۷۴۱؛ مهیار، ۱۳۷۵، ص ۷۷۶) در انگلیسی،

Foundation Base / ریشه، پایه، زمینه و اساس را معنی می‌دهد. (معین، ۱۳۸۵، ۳۷۶۵) پس «مبانی» به منزله زیر ساخت و پایه، مطمح نظر است. در هر علمی حقایقی ثابت شده که مباحث دیگر آن علم، بر آن مترتب می‌شود. (داودپور، ۱۳۹۰، ص ۴۹).

در اصطلاح حقوقی، مبانی به کلی‌ترین اصول، قواعد و معیارهایی اطلاق می‌شود که نظام حقوقی بر آن مبتنی است. (ملک‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۲۷) به تعبیر دیگر مبانی در اصطلاح حقوقی، منبع پنهانی و نیرومندی است که اساس قواعد حقوقی را تشکیل داده و الزام‌آوری آن را توجیه می‌کند. فرق مبانی با منابع در این است که مبانی، قواعد و اصولی است که برهان از آن‌ها تشکیل می‌شود و به این مقدمات و مبادی، مبانی گفته می‌شود؛ اما مدارک استنباط این مقدمات و مبادی را منابع گویند. (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ص ۵۴)

به تعبیر دیگر فرق مبانی با منابع در این است که مبانی درونی است و منابع بیرونی و ظاهری است. لذا مبانی همان اصول و قواعد کلی گفته می‌شود که مباحث دیگر بر آن مترتب است. در این پژوهش در صدد بیان مبانی حمایت از حریم خصوصی افراد و خصوصاً زوجین هستیم. اصل کرامت، اصل احترام به عرض و آبرو، اصل آزادی، اصل اخلاقی، اصل ثبات و امنیت، اصل لزوم کتمان سرّ و قاعده لاضرر از مهم‌ترین اصول و مبانی حمایت از حریم خصوصی افراد است که کلیت و اطلاق آن شامل حریم خصوصی در بین اعضای خانواده از جمله زوجین نیز می‌شود.

### ۱-۳. اصل کرامت

یکی از مبانی حریم خصوصی زوجین اصل کرامت انسانی است که بر اساس آیات و روایات و حقوق اساسی ایران و افغانستان، هیچ کس حق ندارد رفتارهای را که موجب تعرض به کرامت انسانی افراد از جمله زوجین می‌شود مرتکب شوند. کرامت در لغت به معنای سخاوت‌مندی، جوانمردی، احسان، بزرگواری و

بخشنندگی است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۹، ص ۴۱۰)

بعضی دیگر می‌گویند: کریم و کرامت، در مقابل اهانت است، چنانکه عزت در مقابل ذلت است. کرامت، بزرگواری انسان را صرف نظر از هر چیزی دیگر می‌رساند و این ویژگی در ذات شیء کریم وجود دارد؛ بنابراین، سخاوت، کار پسندیده، غیر لئیم بودن و دیگر صفات نیکو از لوازم کرامت است. (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۴۶)

بعضی دیگر گفته‌اند: هرگاه خداوند متعال با واژه کرم و کرامت وصف شود، مراد از آن، جان، حیات و نعمت‌های آشکار اوست. اطلاق کرم و کرامت برای انسان نشانگر اخلاق و رفتار پسندیده است که از او سر می‌زند. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۸، ۷۰۷)

کرامت در اصطلاح حقوقی این است که انسان دارای حرمت است و حق دارد در جامعه، به‌طور محترمانه زیست و زندگی کند و کسی حق ندارد با گفتار و رفتار خویش حیثیت او را با خطر مواجه سازد. (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴ و موسوی، ۱۳۹۲، ص ۹).

بنابر آموزه‌های اسلامی و دینی انسان دارای دو نوع کرامت است: الف) کرامت ذاتی و طبیعی که همه افراد بشر تا هنگامی که با اختیار خود با ارتکاب جرم و جنایت بر خود و بر دیگران، آن کرامت را از خود سلب نکنند، از این کرامت ذاتی برخوردارند. ب) کرامت اکتسابی (ارزشی) که از به کار بستن استعدادها و انرژی‌های مثبت در نهاد آدمی و تلاش در مسیر ترقی، رشد، و کمال ناشی می‌گردد. این کرامت اکتسابی است که ارزش نهایی و عالی انسانی مربوط به همین کرامت است. (جعفری، ۱۳۹۰، ص ۲۲۳). به‌جاست که به‌طور مختصر به توضیح و تبیین این دو نوع کرامت پردازیم.

### الف) کرامت ذاتی بشر

کرامت ذاتی بشر در همه نظام‌های حقوقی به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده

است؛ اما در نظام حقوقی اسلام از اهمیت فوق‌العاده و ممتازی برخوردار است که در موارد گوناگون مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله مواردی که مفسران و صاحب‌نظران برای اثبات کرامت ذاتی بشر به آن استناد کرده است این آیه است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا». (اسراء، ۷۰) و ما تحقیقاً فرزندان بنی آدم را تکریم کردیم و آنان را در خشکی و دریا به راه انداختیم و از مواد پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنان را بر بسیاری از آنچه آفریدیم برتری دادیم.

این آیه به صراحت اثبات می‌کند که خداوند متعال فرزندان آدم را ذاتاً مورد تکریم قرار داده است زیرا مراد از «انسان» یا «آدم» در آیه فوق، جنس بشر است. صرف‌نظر از کرامت‌های خاص و فضائل روحی و معنوی که به عده‌ای اختصاص داده، بلکه حتی مشرکان، کفار و فاسقان نیز مشمول آیه می‌شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۳، ص ۲۱۴؛ مکارم، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۲۰۰).

به همین دلیل روشن و صریح، برای همه افراد بشر لازم است که این کرامت و حیثیت را برای همدیگر به‌عنوان یک حق بشناسند و خود را در برابر آن حق، مکلف ببینند. منشأ این کرامت ذاتی عبارت است از رابطه بسیار ارزشمند و مهم خداوندی که از آیه مبارکه «ونفخت فیه من روحی» و در او {انسان} از روح خود دمیدم، استفاده می‌شود. خداوند با این تکریم انسان را شایسته‌ی سجده فرشتگان فرمود و همچنین منشأ این تکریم عبارت است از صفات و نیروها و استعدادهای بسیار باارزش که به‌کارگیری آن‌ها و تلاش در مسیر زندگی معقول انسان به اتصاف به کرامت عالی اکتسابی نائل می‌گردد.

از آیه شریفه فوق استفاده می‌شود که همه افراد بشر، صرف نظر از اینکه دارای حق حیات هستند و دیگران مکلف به حفظ و رعایت آن است، دارای حق کرامت ذاتی نیز هستند تا هنگامی که خود انسان آن کرامت را به سبب ارتکاب جنایت بر خود و دیگران سلب نکرده باشند ملزم به رعایت این حق هستند، همان‌طوری که ملزم به رعایت حق حیات یگدیگردند.

امروزه نیز همه ادیان الهی و نظام‌های حقوقی و مکتب‌های اخلاقی کرامت ذاتی بشر را مورد پذیرش قرار داده و همه‌ی افراد را مکلف به رعایت این حق می‌دانند؛ اما متأسفانه بعضی از نظام‌های حقوقی دنیا و از آن جمله مجمع جهانی حقوقی بشر از دیدگاه غرب، در دوران معاصر کرامت انسانی را منحصر به کرامت ذاتی بشر می‌دانند و از کرامت اکتسابی و ارزشی سخنی به میان نمی‌آورند و در نتیجه حرکت کمالی انسان را در جهت جهت حیات معقول متوقف می‌سازند. (بسته نگار، ۱۳۸۵، ص ۱۹۶).

در آموزه‌های اسلامی، کرامت ذاتی بشر، بر اساس یک فعل قراردادی و اعتباری صرف نیست، بلکه بر مبنای یک فعل هستی‌شناختی که ریشه در نفس خلقت بشر دارد، نهاده شده است. حفاظت از تمامیت روحی و جسمی انسان از آنجایی که جانشین خداوند در روی زمین است و تبلور از وجود بی‌همتای او می‌باشد، امری شایسته و لازم به حساب می‌آید. لذا هر نوع تجسس، مداخله، سرک کشیدن، نگاه کردن و برملا کردن اطلاعات شخصی فرد که تمایلی به برملا شدن آن ندارد و باعث تحقیر و سرافکندگی شخص می‌شود، منافات با کرامت ذاتی فرد دارد. همچنین افشا کردن اطلاعاتی از قبیل بیماری‌های اخلاقی، عیوب گفتاری یا رفتاری، مشکلات خانوادگی، گناهان و معاصی که در گذشته انجام شده و شخص رضایت به افشای آن نداشته باشد و باعث می‌شود با افشای آن، شرافت و حیثیت فرد در معرض نابودی قرار بگیرد و یا اینکه احساس سرافکندگی و خجالت نماید از مصادیق حریم خصوصی شمرده می‌شوند. چرا که با بر ملامت این گونه اطلاعات، کرامت ذاتی بشر از بین می‌رود. لذا برای تک تک افراد بشر لازم است برای حفظ کرامت ذاتی بشر، حریم خصوصی افراد مورد حمایت و توجه قرار بگیرد. (قهفرخی و مسعودیان، ۱۳۹۱، ص ۹).

بنابراین، با توجه به مطالب فوق، هر انسانی ذاتاً دارای کرامت ذاتی هستند با هر درجه و رتبه مادی و معنوی که باشند و بر همه افراد لازم و واجب است که این کرامت ذاتی افراد را به رسمیت بشناسند. آیه «ولقد کرّمنا بنی آدم» صراحت

دارد بر اینکه همه افراد بشر دارای کرامت ذاتی هستند و همه مردم باید خود را ملزم به رعایت آن بدانند. براساس آنچه گفته شد، اعضای خانواده از جمله زوجین نیز باید خود را به رعایت حق کرامت ذاتی همدیگر ملزم بدانند.

### ب) کرامت اکتسابی

بهتر از کرامت ذاتی که همه افراد بشر از جمله زوجین دارا هستند کرامت اکتسابی است که بر مبنای تقوی استوار است. در سوره حجرات به این کرامت اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را شعبه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم که با یکدیگر باتحویل معرفت، زندگی هماهنگی داشته باشید، قطعاً، با کرامت‌ترین شما نزد خداوند با تقوی‌ترین شماست.» (حجرات، ۱۳).

باتوجه به اینکه اکثریت فرزندان آدم، با داشتن قدرت، استعدادها و امتیازات، حقوق الهی و انسانی را رعایت نمی‌کنند و منحرف می‌شوند، مشخص می‌شود که خداوند متعال تنها زمینه ارزش و کرامت و شرافت را در انسان نهاده است. به تعبیر بهتر، همه قدرت‌ها و استعدادها که خداوند در وجود بشر به ودیعت گذاشته است، مقتضی کرامت، ارزش و حیثیت است که مقتضی به وجود آمدن حق کرامت برای آن‌ها می‌باشد، نه اینکه انسان‌ها در هر شرایط و موقعیت دارای شرافت ذاتی و کرامت وجودی هستند؛ بنابراین، اگر افرادی به دنبال امیال نفسانی، خودکامگی و خودمحوری، برآید و آن استعدادها را در جهت اهداف آلوده مورد استفاده و بهره‌برداری قرار دهد، حتمی است که چنین افرادی نه تنها حق شرافت و کرامت و احترام ذاتی ندارد، بلکه به جهت که مخل کرامت و آزادی و حیات دیگر افراد است، مجرم بوده و باید مورد مؤاخذه قرار گیرد و برای دفاع از حق حیات و حق کرامت و حق آزادی انسانها، مورد کیفر و مجازات قرار گیرد. (جعفری، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۲۵).

در روایات معتبر اسلامی نیز به این کرامت ذاتی و ارزشی اشاره نموده است که به عنوان نمونه به دو نمونه از آنان اشاره می‌شود. محمد بن جعفر العقبی نقل می‌کند که امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌ای چنین فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ آدَمَ لَمْ يَلِدْ عَبْدًا وَلَا أُمَّةً وَإِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَحْرَارٌ وَلَكِنَّ اللَّهَ خَوْلَ بَعْضِكُمْ بَعْضًا فَمَنْ كَانَ لَهُ بَلَاءٌ فَصَبَرَ فِي الْخَيْرِ فَلَا يُمْنٌ بِهِ عَلَى اللَّهِ». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۲۶، ص ۷۷).

ای مردم! حضرت آدم (ع) نه بنده‌ای تولید کرده و نه کنیزی و همه مردم آزادند، اما خداوند تدبیر و اداره بعضی از شما را به بعضی دیگر سپرده است. در این روایت نورانی، نه تنها عدم اصالت بردگی در اسلام ثابت شده، بلکه کرامت عموم انسان‌ها نیز با اسناد حریت (آزادی و آزادگی) مورد توجه قرار گرفته است.

در فرازی از کلمات امیرالمؤمنین در فرمان که به مالک اشتر دارد می‌فرماید: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخَلْقِ». (رضی، ۱۴۱۴، ص ۴۲۷). «دلت را به بخشودن (خطاهای) مردم و دوست داشتن آنان و نرمدلی در برابر ایشان موظف بدار! و نسبت به آنان همچون جانوری درنده مباش که منتظر فرصت برای خوردن آنها است؛ زیرا که مردم دو گروهند: یا برادر دینی تواند یا برابر نوعی تو». (حکیمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۵۱).

انسان بالاتر از حق حیات، حق کرامت دارند، این حق غیر قابل اسقاط و زوال است، بلکه این حق مشروط به برخورداری درست از همه قدرت و استعداد و ابعاد مثبت است که در انسان تجلی نموده است. حتی اگر کسی به‌طور درست نتواند از آنها استفاده نماید و به ضرر خود و دیگران سوء استفاده نکند، باز از حق کرامت نسبی برخوردار است.

در قانون اساسی ایران نیز اصل کرامت انسان از جمله زوجین را مورد حمایت قرار داده و می‌گوید: «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم بامسئولیت او در



برابر خداوند ... و نفی هرگونه ستمگری، ستم‌کشی، سلطه‌گری و سلطه‌پذیری است.» (قانون اساسی ایران، اصل ۲، بند ۶).

قانون اساسی افغانستان نیز بر اصل کرامت تأکید نموده و می‌گوید: «آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد. آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.» (قانون اساسی افغانستان، ماده ۲۴).

بنابراین، خداوند کرامت را برای همه افراد بشر قرار داده و همه ملزم به رعایت آن هستند و همچنین قانون اساسی ایران و افغانستان نیز به پیروی از قرآن کریم آن را به رسمیت شناخته است. یکی از مصادیق آن زن و شوهر است که آن‌ها نیز نسبت به رعایت حق کرامت دیگری باید کوشا باشند. زیرا زوجین نیز در بعد انسانی خویش تفاوتی نسبت به همدیگر ندارند و هر دو به بهترین صورت خلق شدند و روح خدای متعال در هر دو ساری و جاری است. تکالیفی که مربوط به جنسیت آن دو نمی‌شود بین زوجین مشترک‌اند. زن در خانواده نقش محوری را دارد و باید کرامت‌اش حفظ شود؛ چنانکه بعضی از فقها گفته‌اند: «همانطوری که مرد در همه شئون دخالت دارد، زن هم دخالت دارد ... زن‌ها مقام کرامت دارند، زن‌ها اختیار دارند، همانطور که مردها اختیار دارند، خداوند شما را با کرامت خلق کرده است.» (موسوی خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۱، ص ۲۵۴).

بنابراین، هرگونه مداخله، تجسس، پیگیری اطلاعات شخصی و افشای آن، توسط خود زوجین نسبت به همدیگر که تمایل به افشای آن‌ها ندارند و موجب وهن و تحقیر همدیگر می‌شود و منافات با کرامت ذاتی آن‌ها دارد، ممنوع است. اطلاعاتی از قبیل مشکلات خانوادگی، پیشینه منفی شخص و گناهان که در گذشته انجام شده، بیماری‌های سرّی، عیب‌های گفتاری و رفتاری، اطلاعاتی هستند که فرد از جمله زوجین، رضایت به برملا شدن آن‌ها ندارد و در صورت افشای آن، ولو جلو یک نفر، حیثیت فرد از بین رفته و یا اینکه از افشای آن‌ها

احساس سرافکنندگی و خجالت می‌نماید. از این جهت است که افشای این اطلاعات موجب از بین رفتن کرامت ذاتی بشر می‌شود و برای حفظ این کرامت لازم است حریم خصوصی افراد از جمله زوجین مورد حمایت قرار گیرد.

### ۲-۳. قاعده لاضرر

این قاعده یکی از مهم‌ترین و شایع‌ترین قواعد فقهی است که در ابواب مختلف فقه از جمله مبنای حریم خصوصی زوجین نیز قرار می‌گیرد، زیرا قاعده لاضرر، می‌تواند از یک سو حمایت از کرامت، حیثیت، آبرو، شأن و منزلت اجتماعی اشخاص به‌طور عام و در محیط منزل و خانواده به‌طور خاص را مدلل نماید و از سوی دیگر در مورد نوع حمایت و جبران زیان‌های ناشی از نقض حریم خصوصی در روابط خانوادگی زوجین نیز نقش مهمی ایفا کند. این قاعده علاوه‌بر توجه به ضرورت حفظ حریم خصوصی می‌تواند در اثبات نقض این حریم نیز مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت قاعده فوق به حدی است که بسیاری از اندیشمندان اسلامی، از آن به‌عنوان رمز هماهنگی اسلام با پیشرفت‌ها و توسعه‌ی فرهنگ یاد نموده‌اند، از باب نمونه شهید مطهری (ره) می‌گوید: «یکی دیگر از جهاتی که به این دین خاصیت تحرک و انطباق بخشیده و آن را زنده و جاوید نگه می‌دارد این است که یک سلسله قواعد و قوانین در خود این دین وضع شده که کار آن‌ها کنترل و تعدیل قوانین دیگر است. فقها این قواعد را قواعد «حاکمه» می‌نامند مانند قاعده لاجرح و قاعده لاضرر که در سرتاسر فقه حکومت می‌کنند» (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۹، ص ۱۲۲).

در آیات متعدد قرآن به قاعده لاضرر اشاره شده است که مردم را از اضرار به خود و دیگران نهی نموده است که به دو نمونه از آن اشاره می‌کنیم. قرآن کریم در سوره بقره می‌فرماید: «وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَّغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرَخُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا؛ و هنگامی که زنان را طلاق

دادید و به آخرین روزهای «عده» رسیدند، یا به طرز صحیحی آن‌ها را نگاه دارید (و آستی کنید) و یا به طرز پسندیده‌ای آن‌ها را رها سازید! و هیچ گاه به خاطر زیان رساندن و تعدی کردن، آن‌ها را نگاه ندارید تا به حقوق آنان تجاوز کرده باشید.» (بقره، ۲۳۱). «وَلَا تُمَسِّكُوهُنَّ ضِرَارًا» یعنی رجوع باید براساس میل و رغبت باشد، در جاهلیت طلاق و رجوع به هدف انتقام‌جویی و آزار و اذیت زن بوده است که آیه مسلمانان را از این کار نهی می‌کند.

همچنین در آیه دیگر خداوند متعال از اضرار به دیگری نهی نموده است: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ؛ نه مادر (به خاطر اختلاف با پدر) حق ضرر زدن به کودک را دارد و نه پدر؛ و بر وارث او نیز لازم است این کار را انجام دهد.»

باتوجه به این آیه، زن نباید بنا بر اختلافی که با شوهر دارد، به فرزند خود همانند خودداری از شیردادن و یا محروم نمودن شوهر از ملاقات کردن با فرزندش زیان و ضرر برساند، شوهر نیز حق ندارد فرزندان را از مادرش در دوران شیرخوارگی بگیرد. به هر حال از این آیات و آیات متعدد دیگر به خوبی استفاده می‌شود که ضرر و زیان رساندن به دیگران که در معنی اخص ضرر به حریم خصوصی دیگران از جمله زوجین نسبت به یکدیگر، ممنوع است و مشروعیت ندارد.

یکی از دلایل در این مورد، حدیث مشهور «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» در داستان سمره بن جندب است که مرحوم کلینی در کتاب (کافی) از ابن مسکان از زراره نقل می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۲۹۴). این مسأله چیزی را جز حمایت بسیار شدید اسلام از حریم خصوصی افراد حکایت نمی‌کند. در واقعه سمره که مردی شرور بوده ادعای نسبت به مالکیت منزل نداشته و حتی در اصل، ورودش غیر قانونی نبوده؛ بلکه آنچه صاحب‌خانه را اذیت می‌کرد ورود ناهنگام و نقض خلوت و حریم خصوصی اهل منزل و اطلاع از امور خصوصی و حریم آن‌ها بوده است. لذا شاید بتوان این قاعده و روایت را به‌عنوان یکی از

مبانی مهم فقهی برای حمایت از حریم خصوصی افراد از جمله زوجین بر شمرد. اهمیت و جایگاه والای این حدیث در حمایت از حریم خصوصی مسکن، آنجا بیشتر روشن می‌شود که در کنار حدیث فوق این حدیث نبوی را هم متذکر شویم. «وَحُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۵۳۷)؛ حرمت مال انسان مثل حرمت خون انسان است، همانطوری هیچ کس حق ندارد خون کسی را بدون جهت بریزد و احترام دارد، نسبت به مال هم کسی حق ندارد به مال کسی تجاوز کند و احترام مال افراد واجب است.

بنابراین، قاعده لاضرر، در حریم خصوصی خانواده از جمله زوجین نیز ساری و جاری است، زیرا با توجه به اینکه تجاوز به حیثیات معنوی افراد از مصادیق «ضرر» تلقی شده و مقتضای صدور برخی مستندات قاعده لاضرر، تنها خسارات معنوی است، بدون هیچ مانعی مواردی که یکی از متعلقات کرامت انسانی یا اعتبار اشخاص، از رهگذر نقض حریم خصوصی خانواده، نقض شود، مشمول قاعده لاضرر خواهد بود. (قنواتی، جاور و صالحی، ۱۳۹۳، ص ۱۲۵).

در واقع حفظ حریم خصوصی خانواده از جمله زوجین نسبت به همدیگر، حفظ حیثیت و کرامت اعضای خانواده در برابر نقض این حریم است. همسران نیز مانند بقیه افراد دارای یک مرز و حریم خصوصی است که هتک این مرز از سوی هریک از همسران یا اشخاص ثالث می‌تواند به نقض کرامت انسانی، اعتبار و آبرو یا عاطفه و احساسات افراد خانواده منجر شود. دلالت قاعده لاضرر بر حریم خصوصی روابط خانواده از آن جا اهمیت پیدا می‌کند که از یک سو، حفظ حریم خصوصی در این حوزه مهم و از جمله حریم خصوصی در روابط خاص زنا شویی در اسلام مورد تأکید فراوان قرار گرفته و توصیه آکیدی بر پوشاندن اسرار در این حوزه شده و حتی آشکار نمودن رازها مورد مذمت قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۶۸)، از سوی دیگر، همانگونه که گفته شد، هتک حریم خصوصی روابط خانوادگی از مصادیق بارز ضرر معنوی محسوب می‌شود.

اگر چه ضرر هم بر خسارت مادی و هم معنوی دلالت می‌کند اما مقتضای صدور برخی مستندات قاعده لاضرر تنها خسارت معنوی است، همانند داستان معروف مرد انصاری که نسبت به ورود ناگهانی سمره به داخل منزل، اعتراض کرد و تصریح می‌کند که ما دوست نداریم که به صورت سرزده وارد خانه ما شوی؛ بنابراین مقتضای صدور این روایت، تجاوز آشکار به حریم خصوصی خانواده مرد انصاری بوده که از مصادیق بارز خسارت معنوی به‌شمار می‌رود. لذا قاعده بر خسارت ناظر بر کرامت و اعتبار اشخاص انطباق پیدا می‌کند و هرگونه رفتاری نسبت به افراد یا زوجین نسبت به همدیگر که کرامت انسانی یا اعتبار اشخاص را در معرض تضییع قرار دهد شامل می‌شود.

### ۳-۳. اصل اخلاقی

یکی از مبانی حریم خصوصی زوجین اصل اخلاقی است. اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است که به معنای سرشت، طبیعت، عادت، خوی، مروت و... به کار می‌رود. (زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۱۲۴ و ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۸۶). در قرآن کریم نیز کلمه «خُلُق» به همین معنی آمده است: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴). در اصطلاح عبارت است از صفات و هیئت‌های پایدار در نفس که موجب صدور افعالی متناسب یا آن‌ها به‌طور خود جوش و بدون نیاز به تفکر و تأمل از انسان می‌شوند. (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۱۹).

موازین و اصول اخلاقی به انسان این اجازه را نمی‌دهد که در حق دیگران حرمت شکنی و یا بی‌احترامی شود. بلکه ادب و اخلاق به ما حکم می‌کند که کرامت انسان باید حفظ شود. پایبندی به این اصل اخلاقی، مانع از هرگونه تعرض و تجاوز به حقوق دیگران از جمله بین زوجین خواهد شد. یکی از مصادیق بارز احترام به شخصیت انسان، رعایت حریم خصوصی اشخاص است. در واقع التزام به قواعد اخلاقی رابطه ناگسستنی با رعایت حریم شخصی و خصوصی افراد دارد. میثاق محکم و ارتباط مؤثر اخلاق و حقوق و اصل تقدم اخلاق بر حقوق در مناسبات و روابط زوجین ایجاب می‌کند که اخلاق، یکی

از مهم‌ترین مبنای حریم خصوصی خانواده و از جمله زوجین به حساب آید. از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم و دین مقدس اسلام داشتن ذهن پاک و رفتار خوب با فرد و جامعه است. اگر حس تجسس و کنجکاوی در امور زندگی شخصی دیگران در فرد شایع شود، آن فرد دارای یک بیماری اخلاقی است که روی فرد، خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد. افرادی که دائماً به دنبال عیوب دیگران است تا زمینه شود برای باز کردن عقده‌های درونی، هیچ‌گاه به تعادل نمی‌رسد. قرآن کریم در سوره حجرات، مردم را به یک سری کارها توصیه می‌کند و از یک سری کارها منع می‌کند که نتیجه عمل نمودن به آن‌ها امنیت اخلاقی و موجب استحکام بنیان خانواده می‌شود. دین مقدس اسلام اخلاقی‌ترین دینی است که در جامعه بشریت ظهور نموده است. یکی از اهداف مهم بعثت پیامبران تزکیه نفوس انسان‌ها از آلودگیها و پلیدی‌های اخلاقی است، چنانچه قرآن می‌فرماید: «رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ» (بقره، ۱۲۹). پروردگارا! در میان آن‌ها پیامبری از خودشان مبعوث کن تا آیات تو را بر آن‌ها بخواند و آن‌ها را کتاب و حکمت بیاموزد و پاکیزه کند. چنانچه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۳۷۲). من به هدف اتمام نمودن فضیلت‌های اخلاقی مبعوث به پیامبری شده‌ام. اکثر آموزه‌های اسلامی یا به گونه مستقیم به مسأله اخلاق ارتباط دارد یا اینکه در راستای ارزشهای اخلاقی و استحکام آن تبیین شده است. لذا همه حوزه‌های عبادی، حقوقی، جزایی اسلام با اصول اخلاقی عجین شده است. در حوزه خانواده نیز اصول اخلاقی در همه زمینه‌ها از جمله حریم خصوصی باید رعایت شود. نقض حریم خصوصی افراد، در محیط منزل توسط یکدیگر از بدترین رفتارهای انسانی است که هر فردی به‌طور فطری آن را ناپسند می‌داند. در قرآن کریم بخشی قابل توجهی از آیات، به حقوق افراد در خانواده و رعایت اخلاق در تعاملات و ارتباطات خانوادگی است. قرآن می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ، وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ؛ آن‌ها لباس شما هستند و شما لباس آن‌ها» (بقره،

۱۸۷). خطاب این آیه زن و شوهر است که تشبیه به لباس شده است و به خوبی رعایت حریم خصوصی آن‌ها از این آیه مورد استفاده است؛ یعنی همان‌طوری که لباس عیب‌ها و نقص‌های انسان را پنهان می‌کند زوجین نیز پوشاننده عیوب و نقص‌های همدیگر باشند و نه تنها بدون اجازه به حریم خصوصی همدیگر وارد نمی‌شوند بلکه وظیفه دارند که مانع ورود دیگران به حریم همدیگر شوند. از منظر قرآن کریم، مهم‌ترین اصل در ارتباط و تعامل بین زن و شوهر حسن معاشرت است که به‌طور صریح قرآن می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ؛ و با زنان به‌طور شایسته معاشرت کنید» (نساء، ۱۹). خداوند در این آیه رفتار نیک و حسن معاشرت را به زوجین نسبت به تعاملات و برخوردها با همدیگر سفارش نموده است و یکی از مصادیق این حسن معاشرت، رعایت اخلاق با خانواده و عدم تعقیب و تجسس در امور خصوصی همدیگر که موجب سوء ظن و تزلزل بنیان خانواده می‌گردد، می‌باشد و یا هرگونه رفتاری که موجب تشویش، نگرانی، کینه و نفرت در خانواده می‌شود و یا اموری که موجب از بین رفتن امنیت و آسایش روانی آن‌ها می‌شود. از منظر قرآن کریم مطرود و خلاف این اصل اخلاقی و از مصادیق سوء معاشرت شمرده می‌شود. اندیشمندان نیز در زمینه الزام اصل اخلاقی نظرات متفاوتی دارند؛ برخی دو نیروی فشار اجتماعی و گرایش پرجاذبه درونی انسان‌های ممتازی را که از خداوند مدد می‌گیرند، اساس الزام‌های اخلاقی می‌شمارند. (برگسن، مترجم: حسن حبیبی، ۱۳۵۸، ص ۶۵). برخی دیگر از جامعه‌شناسان، اعتبار و الزام احکام اخلاقی را تنها مبتنی بر آداب و رسوم می‌دانند. (دورکیم، مترجم: علی محمد کاردان، ۱۳۸۳، ص ۴۷). حقیقت این است که عقل، وجدان، فطرت و بایدهای اخلاقی ما را به التزام در مواجهه با ارزش‌های اخلاقی رهنمون می‌شوند. بنابراین، محیط منزل با محیط‌های دیگر کاملاً متفاوت و متمایز است و نباید هیچ عاملی امنیت و آرامش آن را دچار تزلزل نماید. هریک اعضای خانواده به خصوص زوجین وظیفه دارند که آرامش و آسایش را در محیط منزل ایجاد کنند. رفتارهای اخلاقی اساسی‌ترین نقش را

در ایجاد آرامش و سکونت در محیط منزل را دارند. رعایت حریم خصوصی عدم تجسس در امور یگدیگر از جمله قواعد اخلاقی است که حقوق به عاریت گرفته است. لذا حقوق نمی‌تواند به تنهایی در روابط زوجین با همدیگر تأثیر گذار باشد، نقش اخلاق در تنظیم روابط خانواده و روابط زوجین یک نقش محوری و اساسی است. چنانچه بعضی از حقوق‌دانان نیز می‌گویند: «در تنظیم روابط زن و شوهر اخلاق پیش از حقوق حکومت می‌کند. در این رابطه سخن از عواطف انسانی و عشق و صمیمیت و وفاداری است؛ و حقوق برای حکومت کردن بر آن‌ها ناتوان است. به زور اجرائیه نه مرد را می‌توان به حسن معاشرت با زن واداشت نه زن را به اطاعت از شوهر و وفاداری به او مجبور کرد؛ بر این اتحاد معنوی تنها اخلاق می‌تواند حکومت کند و حقوق ناگزیر است، به جای اتکاء به قدرت دولت، دست نیاز به سوی اخلاق دراز کند.» (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۲۵). اگر اخلاق نباشد زن و مرد می‌تواند کارهایی را که واجب فقهی نیست یا انجام ندهند یا در مقابل، طلب اجر و مزد نمایند. همسر انسان می‌تواند در مقابل کارهای منزل، نگهداری و شیر دادن کودک، در خواست اجر و مزد نماید و مرد نیز می‌تواند در مقابل بسیاری از خواسته‌های همسرش مخالفت نماید به این بهانه که وظیفه‌ای ندارد، بسیاری از مخارج زندگی را به عهده نگیرد، اخلاق به جای این دستورات خشک، به تفاهم، مدارا و محبت، شفقت و احسان سفارش می‌کند.

#### ۳-۴. اصل آزادی

یکی از مبانی حریم خصوصی زوجین اصل آزادی است که بر اساس آن، هر فرد از جمله زوجین حق دارد در حوزه‌ی حریم خصوصی خود از دخالت و تجسس دیگری در باره‌ی وضع جسمانی، مالی، احوال شخصی، ارتباط داشتن با دیگران مانند گفتگوهای خصوصی از استراق سمع، ضبط صوت و سایر امور در امان باشد. آزادی در لغت به معنای «اختیار» و «قدرت انجام عمل یا ترک آن» در برابر «جبر» است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۲).



آزادی در اصطلاح حقوق، «عبارت از حقی است که به موجب آن، افراد بتوانند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازند، مشروط بر آنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازند». (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۸).

بعضی دیگر در تعریف آزادی شخصی می‌گویند: «آزادی شخصی که آن را آزادی مطلق نیز می‌گویند، یکی از مهم‌ترین حقوق فردی است و آن به این معنی است که شخص در رفت و آمد و اختیار مسکن و همچنین در زندگی و روابط خصوصی آزاد بوده و نیز از هرگونه تعرض و تجاوز نسبت به جان، مال، منزل و زندگی خود مصون باشد. آزادی شخصی، آزادی شخصی، پایه و شالوده همه حقوق و آزادی‌هاست، زیرا هنگامی که انسان آزادی و امنیت نداشته باشد، استفاده از سایر حقوق و آزادی‌ها نیز برای او مفهومی نخواهد داشت. مثلاً وقتی شخص، بازداشت و یا زندانی بوده یا اینکه امنیت شخصی نداشته باشد، برای او بهره‌گیری از آزادی اجتماعات و آزادی سیاسی نیز امکان پذیر نخواهد بود و در حقیقت با نبود آزادی شخصی سایر آزادی‌های او نیز از بین خواهد رفت.

آزادی شخصی شامل چند حق و دارای امتیاز است: ۱- حق زندگی ۲- آزادی رفت و آمد و اختیار مسکن ۳- مصونیت خانه و مسکن ۴- مصونیت و یا امنیت شخصی ۵- مصونیت مکاتبات، مکالمات تلفنی، مخابرات تلگرافی و اسرار شخصی ۶- آزادی در زندگی داخلی و خصوصی ۷- حق دادخواهی و آزادی دفاع. (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۸۲، ص ۳۹).

ایشان در جای دیگر از کتاب خود در تبیین مصونیت و امنیت فردی می‌گویند: منظور از مصونیت فردی یا امنیت شخصی یا آزادی فردی به معنای اخص کلمه این است که فرد از هرگونه تعرض و تجاوز مانند قتل، جرح، ضرب، توقیف حبس، تبعید، شکنجه و سایر اعمال غیر قانونی و خود سرانه و یا اعمالی که منافعی شئون و حیثیت انسانی اوست همانند اسارت، بهرکشی، فحشاء و غیره مصون و در امان باشد و آن پایه و اساس تمام آزادی‌ها است که با نبود آن سایر آزادی‌های فردی نیز معنی و مفهوم پیدا نمی‌کند... امروزه امنیت، به نحوی با

آزادی ترکیب شده است که برای ما آزادی بدون امنیت و مصونیت فردی مفهوم و معنی پیدا نمی‌کند. (همان، ص ۶۳).

بسیاری از متفکران ارزش و ضرورت حریم خصوصی را در ارزش و ضرورت آزادی می‌بینند، آن‌ها آزادی‌های اجتماعی و سیاسی را نیز هنگامی ممکن می‌دانند که حریم خصوصی به‌عنوان یک حق به رسمیت شناخته شود و چنین استدلال می‌کنند که: دانستن همه چیز در باره‌ی فعالیت‌های همه مردم، قدرت یک حاکم را به مقدار بسیار افزایش می‌دهد، در یک جامعه‌ی آزاد و مبتنی بر مشورت، حریم خصوصی، پیش شرط حیاتی مشارکت، یعنی پایه‌ای‌ترین آزادی مدنی است. آگاهی داشتن شما از کنش‌ها و نیت‌های مخالفان سیاسی، توانایی آن‌ها به مخالفت با احکام و استدلال‌های شما را تقلیل می‌دهد، بنابراین، حریم خصوصی جزء اساسی تشکیل دهنده‌ی آزادی است. (سروش، ۱۳۹۳، ص ۵۱).

از سوی دیگر اگر حریم خصوصی افراد، رعایت نشود و اگر هر شخصی برای ورود به زندگی شخصی افراد دیگر آزاد باشد و هیچ‌گونه ممنوعیتی برای تجسس و تفتیش از زندگی شخصی دیگران وجود نداشته باشد و همه افراد بتوانند بدون مانعی، از همه لایه‌های پنهانی و اسرار زندگی یگدیگر اطلاع داشته باشند، زندگی اجتماعی بشری با چه شرایطی رو برو خواهد شد؟ قطعاً در این صورت صفا و صمیمیت جای خود را به به‌کینه و کدورت تبدیل خواهد کرد و افشا شدن اطلاعات محرمانه از زندگی افراد به متلاشی شدن بسیاری از زندگی مشترک زن و شوهر منجر خواهد شد. چنانکه بعضی فقها نیز در بیان «نفی احتیاط» استدلال می‌کند، احتیاطی را که سبب تفتیش از زندگی شخصی دیگران باشد، ویرانگر نظام اجتماعی، اغراض شارع و مقاصد شریعت می‌داند: تفحص از عیوب و ایراد مردم نمودن موجب مبعوض و مطرود شدن نزد خداوند است و مخالف هدف شارع است، بلکه اینکار موجب دشمنی و کینه‌توزی بین مردم می‌شود که مخالف «غرض شرع» است، بلکه گاه تجسس‌ها زمینه‌درگیری و تلف شدن نفوس و هتک اعراض را به دنبال دارد و موجب بروز فتنه‌ها و نزاع‌ها

می‌شود. بدون شک هنگامی که کسی زندگی دیگری را زیر نظر بگیرد و به اسرار او پی ببرد، موجب بغض و کینه او قرار گرفته و عکس العمل او را در حد هتاک‌ی یا در گیر شدن با او را در پی دارد. (روزدری، ۱۴۰۹، ج ۴، ۱۱۷).

«محیط خانواده محیط همبستگی و همکاری است؛ اما با توجه به استقلال افراد، اصل آزادی نیز در آن دارای اهمیت است. بر مبنای این اصل، زوجین از آزادی برخوردارند؛ زیرا پیوند زناشویی، زوجین را زیر سیطره دیگری قرار نمی‌دهد. علاوه بر این، قانون‌گذار نیز برای زن و مرد در رفتارهای اجتماعی محدودیت‌های چندانی ایجاد نمی‌کند؛ در نتیجه زن و مرد از آزادی‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی برخوردارند و متأهل بودن تأثیر چندانی در آزادی‌های آنان ندارد. علاوه بر این، زن و مرد در محیط خانواده از آزادی‌های زیادی برخوردارند و فقط در چهار چوب وظایف ذاتی خانواده، تکالیفی دارند که این وظایف نیز ناشی از نهاد خانواده است و آنان با اختیار خود الحاق به این نهاد را پذیرفتند. البته بهره‌مندی از آزادی در مرحله عمل نمی‌تواند با حقوق و آزادی شوهر منافات داشته باشد و همچنین آزادی باید در چهارچوب ارزش‌های معتبر بوده و اعمال آن چنین ارزش‌هایی را نقض ننماید». (حکمت نیا، ۱۳۹۰، ص ۱۴۰).

بنابراین، با توجه به مطالب فوق که همه انسان‌ها آزاد آفریده شده است و این آزادی تا آنجای است که آزادی دیگران را نیز محدود نکند و حریم دیگران را حفظ نماید که یکی از مصادیق آن، آزادی زوجین است که پیوند ازدواج نمی‌تواند این حق را نادیده بگیرد و زوجین بر اساس این اصل، آزاد آفریده شده است و هیچ‌کدام از همسر حق تجسس و تفتیش در رفت‌وآمد دیگری و یا تحت نظارت قرار دادن همدیگر در ارتباط با دیگران نظیر استراق سمع نمودن و یا ضبط صوت از مکالمات خصوصی که با دیگران داشتند یا تفحص در مکاتبات و پیام‌های خصوصی که با دیگران داشتند، یا حساب مالی شخصی که دارند و یا اسرار شخصی دیگر را مورد تجسس و تفتیش قرار داده و آزادی همدیگر را سلب نماید.

### ۵-۳. اصل احترام و حفظ عرض و آبرو

یکی دیگر از مبانی حریم خصوصی زوجین، اصل احترام و حفظ عرض و آبرو است. همانطور که در اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه حقوق بشر اسلامی و همچنین در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حمایت از حریم خصوصی و لطمه نزدن به آبرو و حیثیت افراد، مورد تأکید قرار گرفته است. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۱۲، اعلامیه اسلامی حقوق بشر، ماده ۱۷ و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۷). چرا که در بیشتری از موارد، افشای امور خصوصی افراد، آبرو و حیثیت آن‌ها را به خطر می‌اندازد. انسان‌ها معمولاً عیب‌ها و خطاهای خود را از بقیه پنهان می‌کنند. در بیشتری از موارد به خاطر که این خطاها در عالم خلوت و دور از انظار مردم واقع شده و اکثراً به امور عمومی و اجتماعی آر تباط پیدا نمی‌کند، انسان‌ها حق دارند آن‌ها را از افراد دیگر پنهان کنند و جامعه هم هیچ نفع مشروعی در دانستن لغزش‌ها و عیب‌های افراد ندارد. لذا تا هنگامی که ضرورت اکید اجتماعی ایجاب نکند، باید از افشای امور خصوصی افراد امتناع به وجود بیاید و حریم خصوصی در صدد است چنین هدفی را بر آورده سازد. (انصاری، ۱۳۸۶، ص ۵۱)

تعرض به حریم خصوصی افراد، موجب آشکار شدن زشتی‌ها و عیوب می‌شود و قبح گناه در بین افراد از جمله بین اعضای خانواده و زن و شوهر از بین رفته و این خود زندگی مشترک آن‌ها را به سمت تزلزل و نابودی می‌کشاند. بر اساس آموزه‌های اسلامی، هتک عرض و آبروریزی افراد از جمله زوجین، از گناهان کبیره و شدیداً مورد نهی قرار گرفته است. حرمت و ارزش انسان به حدی است که هر نوع تعرض به عرض و آبروی افراد شدیدترین عذاب را در پی دارد و وجوب دفاع از عرض، آبرو در کتاب‌های فقهی امامیه، در عرض دفاع از نفس آمده است «وجوب الدفاع عن النفس و العرض عینی إذا قدر الشخص علیه» (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۸، ص ۱۲۸). واجب است دفاع کردن از نفس و آبرو در صورتی که انسان قدرت بر دفاع داشته باشد.

در روایت‌های متعدد، حفظ آبرو از هر امری دیگری با ارزشمندتر شناخته شده است. از جمله در روایتی امیرالمؤمنین (ع) فرموده است: «إِنَّ أَفْضَلَ الْفِعَالِ صِيَانَةُ الْعِرْضِ بِالْمَالِ» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۵، ص ۳۵). بهترین کارها، حفظ آبرو به وسیله دارایی است؛ و در روایت نبوی آمده است: «الْمُؤْمِنُ حَرَامٌ كُلُّهُ عِرْضُهُ وَ مَالُهُ وَ دَمُهُ» (نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۹، ص ۱۳۶). مؤمن سراسر وجودش حرمت است: حرمت آبرو، حرمت مال و حرمت خون و جان او. در روایت دیگر از امام صادق (ع) آمده است: «الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۷ و طبرسی، ۱۳۸۵ ق، ص ۸۳). انسان مؤمن حرمتش از خانه خداوند بالاتر است؛ که به وضوح دلالت بر این معنی می‌کند.

در اعلامیه حقوق بشر اسلامی نیز حیثیت و عرض افراد مورد حمایت قرار گرفته است: هرانسانی حق دارد در امر زندگی خصوصی خود استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در هرگونه دخالت زورگویانه حمایت شود. (اعلامیه حقوق بشر اسلامی، ماده ۱۸، بند ب).

بنابراین، براساس آموزه‌های اسلامی حمایت از حریم خصوصی افراد و لطمه نزدن به حیثیت و آبروی شخص، ملازم یکدیگرند. احترام و ارزش انسان در حدی است که هرگونه تعرض و هتک حرمت دیگران، شدیدترین عقوبت‌ها را در پی دارد و در کتب فقهی و جوب دفاع از عرض و آبرو در عرض دفاع از نفس آمده است. (سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۸، ص ۱۵۸).

زندگی اجتماعی انسان‌ها در کنار یکدیگر از جمله زوجین، نیازمند چنین مقررات و لوازماتی است که باید رعایت شود. عیب‌جویی در بین اعضای خانواده از جمله زوجین نسبت به همدیگر، باعث به وجود آمدن سوء ظن‌های بی‌جا و تجسس در امور یکدیگر می‌شود و آن آرامش و سکونت که بنیان خانواده بر آن استوار بود به سستی و متلاشی شدن منجر خواهد شد. لذا هیچ فردی از جمله زوجین نسبت به همدیگر حق ندارند متعرض حریم خصوصی

همدیگر شده و حرمت و کرامت همدیگر را رعایت نمایند.

### ۳-۶. اصل امنیت و ثبات

یکی از مبانی حریم خصوصی زوجین، اصل امنیت و ثبات است. قرآن کریم برای استحکام، ثبات و امنیت خانواده، بر عوامل درونی و بیرونی تأکید بسزایی دارد. از منظر قرآن، مبنای شکل‌گیری خانواده گریزه و جاذبه فطری است و اگر خانواده بر مبنای گرایش طبیعی و تمایلات روحی و روانی تشکیل شود، بر بنیان محکمی بنا گشته است؛ ولی تشکیل خانواده فقط بر مبنای رفع نیاز جنسی، تولید مثل، مال و سایر تمتعات فقط در حد انگیزه ابتدایی سزاوار است و نمی‌شود تداوم زندگی را بر این اصل بنا نهاد.

قرآن کریم می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ». (یس، ۳۶). منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویاند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند. این آیه خبر از زوجیت همه موجودات عالم به‌طور فطری می‌دهد. انسان‌ها هم از این حکم مستثنی نیستند، زن و مرد دو موجود متفاوتند و نیازمند تکامل؛ و تشکیل خانواده بهترین جای پیوند و زمینه‌ساز کمال آن دو است. خصوصیت‌هایی که مکمل زن و مرد است، در یک نظام هماهنگ می‌تواند تعادل روحی و روانی را برای همه اعضای خانواده فراهم سازد. بهترین هدیه در راه مسیر پیمودن کمال، همین است و پیشرفت هر کدام از اعضای خانواده به پیشرفت بقیه اعضا بستگی دارد و کمال هر کدام در کمال بقیه افراد خانواده می‌باشد. با توجه به هدف خدای متعال، از خلقت انسان که تقرب الی الله و رسیدن به کمال است، پس لازم است برای ایجاد این امنیت تلاش نمود.

به نظر می‌رسد قرآن مانند دیگر مسائل اجتماعی قبل از هر چیز به مسأله امنیت و ثبات در خانواده توجه نموده که زوجین باید عامل آرامش باشد نه مایه تشنج و اضطراب و سپس به امور دیگر پرداخته است. چنانچه قرآن

در سوره مبارکه روم می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا؛ و از نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید» (روم، ۲۱). لذا برای داشتن جامعه و خانواده‌ای موفق پیش از هر چیز نیازمند امنیت و ثبات هستیم.

قرآن کریم در سوره اعراف می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا» (اعراف، ۱۸۹). او خدایی است که همه شما را از یک فرد آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا در کنار او بیاساید. بنابراین به فرموده قرآن کریم، زن و مرد از یک نفس هستند و باید در کنار هم به آسایش و آرامش برسند؛ نه اینکه صرفاً از هم بهره جنسی بگیرند یا لذت ببرند. به همین دلیل در اینجا فرموده «لیمتع بها» یا «لیتلذذ بها»؛ این عبارت «لیسکن الی‌ها» جنبه انشایی دارد؛ یعنی زوجین باید موجب آرامش و امنیت یک دیگر در محیط خانه باشند؛ یعنی امنیت و ثبات در خانواده را عامل اصلی تحکیم خانواده دانسته و سلامت روحی، آرامش روانی، نبود اضطراب در بین اعضای خانواده بخصوص کودکان را نتیجه این امنیت دانسته است که با نقش آفرینی زن و شوهر و داشتن احساس مشترک، همبستگی، همدلی، تفاهم و حس اعتماد بین آن‌ها به وجود می‌آید. کودکی که در چنین شرایطی رشد کند، دارای شخصیتی سالم و متعادل خواهد بود و مسلماً نقش خانواده در ایجاد چنین شخصیتی چشم گیرتر از سایر محیط‌های اجتماعی است. (مهدوی کنی، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۰). در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اصل امنیت افراد را محترم شمرده و از آن حمایت کرده است: هر فردی حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. (اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۳).

با توجه به مطالب فوق، امنیت و ثبات در خانواده یکی از مهم‌ترین مبانی حریم خصوصی زوجین به‌شمار می‌رود که موجب تحکیم خانواده می‌شود، رفتار محبت‌آمیز همسران با یکدیگر موجب ثبات و آرامش خانواده و سلامتی روح و روان فرزندان خواهد شد و بلکه بالاتر از محیط منزل، جامعه را نیز تحت

تأثیر قرار خواهند داد؛ از سوی دیگر ثبات و امنیت در خانواده موجب رشد اعضای خانواده شده و استعدادهای خفته آنها بیدار خواهد شد و اگر در محیط خانه امنیت و ثبات حاکم نباشد کم کم محیط گرم خانواده به سردی گراییده و سوء ظن‌ها بین همسران به وجود می‌آید و در نتیجه خانه که با مهر و محبت بنا شده بود دچار تزلزل خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

بدیهی است که حفظ حریم شخصی دیگران نوعی احترام به آن شخص است که نکات حقوقی و اخلاقی متعددی را ذیل خویش می‌گنجانند. امروزه «حریم خصوصی» به‌طور ویژه، مورد توجه حقوق‌دانان و محافل قضائی قرار گرفته است. مصادیق حریم خصوصی در دنیای معاصر با توجه به پیشرفت انسان در حوزه تکنولوژی بسیار گسترده شده است و این سؤال به ذهن متبادر می‌شود آیا در فقه امامیه با توجه به قدمت تاریخی و منابع تاریخی که دارد می‌توان به «مبانی حریم خصوصی» رسید یا نه؟

تحقیق حاضر در جواب به این سؤال، ثابت می‌کند که اصول کلی حریم خصوصی و مبانی آن در فقه امامیه در موضوعات مهمی چون: اصل کرامت، قاعده لاضرر، اصل اخلاقی، اصل آزادی، اصل احترام و حفظ عرض و آبرو و اصل امنیت و ثبات نهفته است و این مبانی در فقه امامیه به‌صورت مشروح توضیح داده شده است. این مبانی به‌صورت کلی و در برخی موارد مصداقی در احکام فقه امامیه بیان شده است؛ اما می‌توان به علت حکم پی‌برد و به‌عنوان حکم منصوص العله، از آن برای تسری به سایر موضوعات مشابه استفاده کرد. به‌عنوان نمونه، ماجرای درخت خرماي سمره بن جندب که به حریم خصوصی مرتبط است یک نمونه در روایات است که می‌توان از آن برای استدلال در مورد حرمت تجاوز به حریم خصوصی استفاده کرد؛ از باب تسری حکم منصوص العله (که علت حرمت یا وجوب مشخص است) به سایر موضوعات مبتلا به ذیل آن حکم.



## منابع

- قرآن کریم  
نهج البلاغه
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، قم، جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۳۶۲.
  ۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الفکر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴.
  ۳. اعلامیه اسلامی حقوق بشر.
  ۴. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، قم، گل‌ها، چاپ اول، ۱۳۸۶.
  ۵. آماده، مهدی، حمایت از حریم خصوصی، تهران، دادگستر، چاپ اول، ۱۳۹۲.
  ۶. بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة، دار المصطفی لإحیاء التراث، بیروت، لبنان، چاپ اول، ۱۴۲۳.
  ۷. برگسن، هانری، مترجم، حبیبی، حسن، دوسرچشمه اخلاق و دین، تهران، انتشار، چاپ اول، ۱۳۵۸.
  ۸. بروجردی، مهدخت، حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی، تهران، انتشارات دادگستر، ۱۳۸۴.
  ۹. البستانی، الپتروس، دایرةالمعارف، بی جا، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵.
  ۱۰. بسته نگار، محمد، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
  ۱۱. تبریزی، جواد بن علی، منهاج الصالحین، مجمع الإمام المهدی (عج)، قم، چاپ اول، ۱۴۲۶.
  ۱۲. جعفری، محمد تقی، حقوق جهانی بشر، تهران، مؤسسه نشر آثار علامه جعفری، چاپ پنجم، ۱۳۹۰.
  ۱۳. جوادی آملی، عبدالله، زن در آینه جلال و جمال، قم، مرکز نشر اسراء،

چاپ نهم، ۱۳۸۳.

۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، چاپ اول، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۰.
۱۵. حکمت نیا، محمود، حقوق زن و خانواده، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۱۶. حکیمی، محمدرضا و حکیمی، محمد و حکیمی، علی، الحیاء، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. خراسانی، حسین وحید، منهج الصالحین، مدرسه امام باقر علیه السلام، قم، ایران، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
۱۸. خمینی، سید روح الله موسوی، صحیفه نور، تهران، انتشارات چاپخانه و زارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱.
۱۹. داودپور، مرتضی، درآمدی بر مبانی جامعه شناسی اسلامی (کلامی-فلسفی) قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) چاپ اول، ۱۳۹۰.
۲۰. دور کیم، داوید امیل، مترجم، کاردان، علی محمد، قواعدروش جامعه شناسی، تهران، دانشگاه تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۳.
۲۱. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ دوم از دوره جدید، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
۲۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، لبنان، بیروت، دارالمعرفه، چاپ پنجم، ۱۴۲۸.
۲۳. روزدري، علی، تقریرات میرزای شیرازی، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹.
۲۴. زبیدی، مرتضی، محمد بن محمد، تاج العروس، دار الفکر، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۲۵. سبزواری، سید عبد الأعلى، مهذب الأحكام، قم، مؤسسه المنار، چاپ چهارم، ۱۴۱۳.
۲۶. سبزواری، سید عبدالاعلی، جامع الأحكام الشرعية (للسبزواری)، مؤسسه

- المنار، قم، چاپ نهم، بی تا.
۲۷. سروش، محمد، مبانی حریم خصوصی (بر اساس منابع اسلامی) قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۹۳.
۲۸. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین، قم، دفتر حضرت آیه الله سیستانی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۲۹. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، آزادی های عمومی و حقوق بشر، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۲.
۳۰. طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
۳۱. طبرسی، فضل ابن حسن، مشکاه الأنوار فی غرر الأخبار - نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۵.
۳۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، مجمع البحرین، مرتضوی، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۵.
۳۳. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن الأمالی (للطوسی) - قم، چاپ اول، ۱۴۱۴.
۳۴. غلامی، بهرام، «حریم خصوصی در حقوق کیفری» دانشگاه مازندران، ۱۳۹۶.
۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
۳۶. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دار الکتب العلمیه، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۵.
۳۷. فیض، کاشانی، محمد محسن ابن شاه مرتضی، الوافی، کتابخانه امیر المؤمنین علی (ع)، اصفهان، ۱۴۰۶.
۳۸. قانون اساسی افغانستان.
۳۹. قانون اساسی ایران.
۴۰. قمی، سید تقی طباطبایی، عمده المطالب فی التعلیق علی مکاسب،

- کتابفروشی محلاتی، قم، ۱۴۱۳.
۴۱. قنواتی، جلیل، جاور، حسین و صالحی کوهرودی، شاهرخ، میان کنش قاعده لاضرر و حریم خصوصی خانواده، مجله مطالعات - حقوقی دانشگاه - شیراز، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳.
۴۲. قهفرخی، شهباز، مسعودیان، مصطفی، حمایت از حریم خصوصی اشخاص از منظر آیات و روایات، دوفصلنامه تخصصی پژوهشهای میان رشته‌ای قرآن کریم، سال سوم، شماره ۲، ۱۳۹۱.
۴۳. کابلی، محمد اسحاق فیاض، منهاج الصالحین (للفیاض)، بی تا.
۴۴. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (ط - الاسلامیه) - تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.
۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مرآة العقول، تهران، چاپ دوم، ۱۴۰۴.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
۴۸. مصباح یزدی، محمد تقی، فلسفه اخلاق، قم، معارف، چاپ هفتم، ۱۳۸۸.
۴۹. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم - تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۵۰. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران، صدرا، چاپ سوم، ۱۳۸۱.
۵۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ هشتم، تهران، سرایش، ۱۳۸۵.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴.
۵۳. ملک زاده، محمد، مبانی دینی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۹۰.
۵۴. موسوی، سید مصطفی، کرامت انسانی از منظر فقه، پایان نامه کارشناسی

- ارشد، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۹۲.
۵۵. مهدوی کنی، صدیقه، اصول حاکم بر روابط اعضای خانواده در نظام معرفتی اسلام، دوفصلنامه علمی ترویجی فقه و حقوق خانواده، ۱۳۹۲.
۵۶. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵.
۵۷. میثاق‌های بین‌المللی مدنی و سیاسی.
۵۸. نوری، حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل - قم، چاپ اول، ۱۴۰۸.
۵۹. هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران، میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴.